

چون بر حسب امر و اجازت اولیای دولت قاهره الباهره خلد الله تعالی دوام شو کته و امره حکومت بندر عباسی و جزیرتین قشم و هرموز و محال عیسین و تازیان و شمیل و میناب و بیابان و بندر خمیر که همگی ملک مختص دولت ایران است از قرار شروط و قیود شانزده گانه مقرر مفصله بکار گذاران (کذا) جناب جلالت و نبالت پناه مجدت و نجدت و شوکت انتباه شهامت و ایالت و بسالت همراه صید سعید خان امام مسقط و عمان و اگذار و مفوض کردیم که از قرار همین شروط و قیود مقرر رفتار نموده و هیچ شرطی از شروط را مهمل و متروک نگذارند .

اولاً آنکه حاکم بندر عباسی باید تابع این دولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته خدمت با اولیای دولت بسپارد که من از تبعه دولت ایرانم .

ثانیاً همه ساله مبلغ شانزده هزار تومان از بابت مالیات و پیشکش و تعارف از او بدار الخلافه طهران یا دارالعلم شیراز از قرار تفصیل در چهار قسط کارسازی نموده از کار گذاران (کذا) دیوان اعلی سند خرج بگیرند .

تومان ۱۲۵۰۰

مالیات

تومان ۲۰۰۰

پیشکش استمراری بندگان صدراعظم

تومان ۱۰۰۰

پیشکش سرکار فرمانفرمای فارس

تومان ۵۰۰

تعارف مقرب الخاقان شجاع الملک

ثالثاً خندقی که بنا گذارده در دور بندر عباسی حفر می نمودند پیر نمایند
و بعد از این هم ابداً خندق را حفر نکنند.

رابعاً مدت بیست سال اختیار حکومت آنجا با جناب امام مسقط و اولاد
و امجاد او باشد و بعد از انقضاء مدت بیست سال آنجاها را معمور و آباد بدولت
و گذار نمایند اگر در ثانی باز اولیای دولت خواستند حکومت آنجا را با امام
مسقط و اولاد او و گذار نمایند باقتضای رأفت، فرمان و دستور العمل خواهند
داد والا اختیار خواهند داشت که خود تصرف کرده حاکم دیگر بگمارند.

خامساً بیدق دولتی با چند نفر مستحفظ بیدق و یک نفر تذکره چی همیشه
در آنجا بوده رعایت شرائط احترام بیدق دولت را منظور دارند که در هر ماه
چاپار دولت بجهت آوردن روزنامه و سرکشی بیدق و عمله بیدق بآنجا بیاید
و در ایام اعیاد و روز مولود مسعود بندگان اقدس شهر یاری روحنا فداه توپ
شادی و مبارک باد بلند آ و اسازند و همچنین هر شب و صبح شلیک توپ وارده نمایند.

سادساً حکام بندر عباس و رعایا و قاطبه ساکنین آنجا که در دست حاکم
بندر عباس خواهند بود و در این چند سال خدمت بدولت کرده اند بهیچوجه
در مقام ایذا و اذیت و بهانه جوئی با آنها بر نیایند و کمال رعایت و سرپرستی
از آنها بعمل بیاورند.

سابعاً حاکم بندر عباسی سوای از بندر عباس و جاهائی که در عهد خاقان
علیین آشیان فتحعلی شاه مبرور در دست داشته و حال نیز مرقوم است زیاده
از آن بجای دیگر دخل و تصرف نکند.

ثامناً هر وقت فرمانفرمای فارس یا حکمران لارستان بر سبیل تفرج و شکار خواسته باشند بآنجا بروند حاکم بندر عباس مثل سایر حکام شرائط خدمتگذاری (کذا) و استقبال و لوازم احترام بعمل آورد.

تاسعاً اگر برای حکام فارس یا کرمان بجهت مهمی لازم شود که قشون بصفحات کج و مکران و بلوچستان بفرستند مثل سایر حکام ولایات در لوازم خدمت و رساندن سیورسات و بدرقه و اینطور چیزها اهمال نکرده و خودداری ننمایند.

عاشرأ اگر فرمانفرمای فارس قصوری در خدمتگذاری (کذا) حاکم بندر عباس مشاهده نماید بمحض اخبار بجناب امام مسقط بدون عذر و اهمال فوراً او را عزل کرده حاکم دیگر که امام مسقط مصلحت بدانند و در اطاعت حاکم فارس باشد بجای او بگمارد.

حادی عشر هر گاه از رعایای لارستان و سبعه و سایر مملکت فارس یا از رعایای مملکت کرمان بآنجا بیایند و بآنحدود فرار کنند بمحض اظهار و اعلام ضابط آن محل بموطن اصلی معاودت دهد.

ثانی عشر این شروط و قرارداد باجناب امام مسقط صید سعید خان حی و حاضر و اولاد و امجاد او است اگر متغلبی مالک عمان و مسقط بشود دولت ابد مدت را با او شروطی و قراری نیست.

ثالث عشر مادام که بندر عباس و جزیرتین مرقومتین و شمیل و میناب و سایر متعلقات آنها در دست کسان جناب امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در آنجا راه ندهند و متعهد شوند حفظ و حراست آنجا را که در دست او است برآ و بحراً بانضمام هر مکان و محلی که استعداد توقف جهاز و بغله و کشتی جنگی داشته باشد و لنگر گاه بر آن صادق آید که از خاک اولیای دولت مفوض به او است صراحتاً متعهد بشود که جمیع حدود و سنور امکانه مذکوره را از مداخله و دست برد غربا و اجنبی اعم از راه دوستی و دشمنی باشد محفوظ بدارد و وقتاً من الاوقات بهیچوجه نگذارد يك کشتی و بغله و جهاز

ویکنفر محارب و دشمن با اسلحه یابی اسلحه خواه عرب یا غیر عرب یا از دول
خارج از حدود امکان مذکور به خیال عداوت یا دشمنی یا به بهانه دیگری یا
بخاک این دولت و بجاهائیکه در دست حاکم بندر عباس است بگذارد.

رابع عشر امام مسقط حق ندارد که بندر عباس و ولایات مزبور را اگر
بشرائط مذکور هم باشد بدیگری اعم از دول خارج و غیره واگذار نماید
مگر باید بموجب قرار داد بدست خود آن باشد ویکنفر از کسان و منسوبان
او در بندر عباس و آن ولایات از جانب او دخل و تصرف کند لا غیر و بشرائط
مرقومه باید عمل نماید.

خامس عشر از قراریکه تجار و تبعه دولت علیه ایران بعرض رسانیدند
سابقاً شخص هندی مستأجر گمر کخانه مسقط عاملی از جانب خود مقیم
بندر عباس مینموده است و تنخواه مال التجاره تبعه دولت علیه ایران را که از
عباسی حمل هندوستان و جای دیگر میشد عشور مسقط را در بندر عباسی
دریافت میکرده و حال آنکه در هیچ دولت و ولایتی چنین رسمی نیست تنخواهی
که وارد ولایتی نشود مع ذلک عشور آن ولایت را از آن تنخواه اخذ و دریافت کنند
چون این فقره بدعت و خلاف قاعده است لهذا باید امام مسقط این فقره را موقوف
دارد تارفع این بدعت بعد الیوم بالمره شده باشد و اجناس مال التجاره که از
طرف بروبحر وارد عباسی شود آنهم بنحوی که شیخ سیف در حال حیوة خود
عشور میگرفت بگیرند و زیاده از سابق مطالبه عشور نمایند

سادس عشر تنخواه تجار محمره در جزیره قشم باید به بندر عباسی آورده
بتوسط عالیجاه خیر الحاج حاجی عبدالمحمد ملک التجار بندر بوشهر بوکلای
تجار که ساکن عباسی هستند تحویل داده و قبض الواصل دریافت و ارسال
دار الخلافه الباهره نماید.

حرر فی عشرین من شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۷۲ مطابق سال لسوی ثیل

بموجب تفصيل هذه ست عشر القيود والشروط المقررات المسطورات
في هذا الورقه الذي امناء الدولة العلية الايران قدروه صحيح وقبول وانشاء الله من
بعد اليوم من طرفنا بالوقع اختلاف ابدأ حرر في ٢٠ شهر شعبان ١٢٧٢

صحيح و قبول ذلك ممام مكتوب الفقير الحقير سعيد بن سلطان احمد

مهر امام مسقط

(صحيح الفقير لله محمد بن سالم بن سلطان)

محل مهر

(صحيح است ثوين بن سعيد بن سلطان)

محل مهر